

جنبه‌های قضائی آزادیهای سیاسی

و اجتماعی (مدنی) در ایالات

متحده آمریکا و تحولات اخیر آنها

۴ - آزادیهای اجتماعی و قدرت ارتش

ارتشی با انضباط برای امنیت کشوری آزاد نهایت ضرورت را دارا است مردم واجد حقوقی هستند که آنانرا از تجاوزات نیروهای نظامی در امان میدارد. این حقوق مطلق و خدشه ناپذیرند (قانون اساسی ایالات متحده آمریکا اصلاح دوم).

هیچ سربازی چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح جز در موارد مصرحه در قانون بدون اجازه صاحبخانه نمیتواند وارد منزل او گردد (قانون اساسی ایالات متحده آمریکا اصلاح سوم).

در ایالات متحده آمریکا قوای نظامی همیشه تابع قدرتهای غیرنظامی و مملکتی بوده‌اند و از اینرو قوانین و قاعده تفوق حقوق در این مورد کاملاً اجرا شده است.

الف - اصلاح دوم مشعر بر محدود ساختن قدرت حکومت فدرال است و ناظر بتجدید قدرت حکومتهای ایالات نمیشد (۱)

این اصلاح ناشی از بد بینی مستعمره نشین ها نسبت بیک ارتش دائمی حکومت فدرال و تمایل آنان به داشتن ارتشهای محلی ایالتی است وخواست آنها را بداشتن یک ارتش با انضباط شدید جهت حفظ امنیت حکومتی آزاد نشان میدهد. (۲).

این موضوع بر این حمل نشود که زمان زیادی در اتخاذ چنین روشی بوسیله قانون اساسی فدرال گذشته است (۳).

۱ - Moore V. Gallup 293 Ny. 848 (1944) Presser V. Illinois 116 V. S. 252 1886

۲ - Cases V. u. s 131 F. (2d) 916 "Certiorari" Refuse' 63 Ct. 1931. u.s

۳ - Moore V. Gallup; pre'cite' u.s. V. Cruikshank, 92. u.s. 553 (1875)

کلمه «ارتشها» منصرف بیک سرباز و یا یک فرد نظامی است. هرایالت میتواند برای هر فردی حقوقی را مقرر دارد که جز بدخواه و رضایت او تغییر نکنند. حق اشتغال بمشاغل نظامی متضمن آن نیست که بتوان از این حق در تشکیل ارتشهای سری متمتع شد.

ب - سومین اصلاح بحمايت مالکین در مقابل اشغال منزلهای خصوصی آنها بوسیله دسته‌های نظامی در زمان صلح تخصیص یافته است. لیکن در شرایط خاصی که در قانون صریحاً پیش‌بینی شده است در زمان جنگ مستثنیاتی براین قاعده عارض میشود.

این اصلاح حاکی از آن است که حکومت فدرال سکنی دادن عده‌ای از سربازان مسلح را در منازل تحت شرایط خاصی الزامی کرده بود این عمل را پادشاه انگلستان نیز قبل از انقلاب آمریکا انجام داد. هنوز هیچ موردی پیش نیامده است که از این اصلاح عملاً استفاده‌ای شده باشد اما هر چند این اصلاح دارای سابقه تاریخی زیادی است و بعنوان یک اصلاح قدیمی و باستانی جلوه میکند روزی هم فرا خواهد رسید که از اجرای آن ناگزیر خواهیم بود.

ج - در دعاوی متعددی اخیراً محکمه عالی بصراحت روابط بین آزادیهای اجتماعی و قدرتهای نظامی را تعیین نموده است (۱).

در Reid. V. Covert et kinsella V. Krueger محکمه عالی حکمی صادر کرده است که بموجب آن بجز سربازان آمریکائی افراد غیرنظامی و اشخاص مجاز در همکاری با آنها و کسانی که در سازمانهای خارجی خدمت میکنند. طبق قانون اساسی نباید بمناسبت جرائمی که مرتکب میشوند در محاکم نظامی آمریکا چه در داخل کشور و چه در خارج از آن محاکمه شوند.

در موضوع دعاوی Reid زن یک استوار در یک پایگاه هوائی آمریکا در انگلستان بمناسبت قتل شوهرش در این کشور بوسیله محاکم نظامی آمریکا تحت محاکمه قرار گرفته و مقصر شناخته شده و محکوم گردیده است بموجب قانون آئین دادرسی ارتش ایالات متحده آمریکا Kinsella زن یک سرهنگ نیروی زمینی آمریکا در ژاپن برای جنایت مشابهی بوسیله یک محکمه مشابه محاکمه شده مقصر و محکوم شناخته شده است.

و اما این آراء محکومیت بمناسبت آنکه متهمین افراد غیر نظامی بوده‌اند گسیخته شده‌اند و هر دو نفر متهم آزاد شده‌اند.

حقی که بموجب آن افراد غیر نظامی در محاکم عمومی تحت محاکمه قرار گیرند بوسیله قانون آئین دادرسی با تمام تضمیناتی که بوسیله اعلامیه حقوق بانها اعطاء گردیده است و از آنجمله محاکمه در حضور هیئت منصفه میباشد، مقرر شده است و از نظر اجرای نظامات قانونی و طبق قانون اساسی افراد غیر نظامی در محاکم غیر نظامی محاکمه میگردند.

محکمه عالی اعلام داشته است که از نظر اجرای آئین دادرسی ارتش و بموجب مقررات قانون اساسی کنگره نمیتواند قانونی را تصویب کند که بموجب آن یک فرد خارجی که نسبت بیک فرد خارجی دیگر مرتکب جنایتی گردیده است در محاکم نظامی آمریکا مورد محاکمه قرار گیرد و قوه مجریه حق ندارد قراردادی را با دول خارجه منعقد کند که بموجب آن اشخاص غیر نظامی بیگانه در دادگاههای نظامی آمریکا از نظر جرائمی که در خارجه مرتکب گردیده‌اند تحت محاکمه قرار گیرند.

محکمه عالی این فکر را که ممالک متحده آمریکا در مقابل اتباع آمریکائی مقیم خارجه اعلامیه حقوق را رعایت نمیکنند رد کرده است و اعلام نموده است که تضمینات اساسی تشریفات دادرسی که در قانون اساسی پیش بینی شده‌اند در قبال (مقتضیات زود گذر و ناپایدار) پناهگاه افراد هستند.

محکمه عالی اظهار نظر کرده است که در اصلاح پنجم اصطلاح (نیروی زمینی و دریائی) منصرف بروابط افراد این نیروها با افرادی است که بموجب مقررات قانون اساسی تنها دادگاههای Common Law (کامان لو) صلاحیت رسیدگی بجرائم را دارند که علیه ایالات متحده آمریکا ارتکاب مییابد.

در دعوی (۱) Trop. V. Dulles محکمه عالی یک قانون کنگره را که بموجب آن یک فرد آمریکائی که در زمان جنگ از خدمت سربازی فرار کند از تابعیت آمریکا خلع میشود. مخالف مقررات قانون اساسی شناخته است. هرچند که این فرد بوسیله یک دادگاه نظامی آمریکا محاکمه شده باشد.

در مورد اعلام بطلان این قانون بمناسبت مخالفت آن با قانون اساسی محکمه عالی حکمی را که در آن از اصلاح هشتم که ناظر بمجازات شدید و غیر متناسب است تخلف کرده بود نقض کرده است.

در دعوی *Toth. V. Ouarles* (۱) محکمه عالی حکم داد که یک سرباز طبق مقررات قانون اساسی نباید بوسیله محاکمه نظامی در باره جرمی که در زمان خدمت تحت السلاح خود مرتکب شده. مورد محاکمه قرار گیرد زیرا او یک شخص عادی غیر نظامی بوده و متهم بقتل شده است. عبارت دیگر از نظر قانون اساسی یک جنایت باید در محضر هیئت منصفه و بوسیله هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد و از تضمینات دیگری که در قانون اساسی بوسیله اصلاح پنجم و ششم و هفتم مقرر شده برخوردار شود.

محکمه عالی اعلام داشته است که اگر قانون اساسی بکنگره این حق را میداد که نظامات خاصی را در مورد نیروهای نظامی از جمله سربازان قدیمی بمورد اجرا گذارد این حق شامل تضمینات مقرر در اعلامیه حقوقی فی المثل در مورد اینکه آنها بوسیله یک هیئت منصفه محاکمه گردند نیز میبود.

محکمه عالی افزوده است که صلاحیت دادگاههای نظامی فقط ناظر بافرادی است که بطور ثابت عضو نیروهای نظامی باشند و نیز رای داده است که صلاحیت محاکم چنان وسیع نیست که بتواند سربازی را که هنوز در نیروهای مسلح ثبت نکرده است محاکمه کند.

در مورد غیبت یا امتناع از داخل شدن بخدمت نظام شخص باید بوسیله محاکم عمومی مورد محاکمه قرار گیرد نه بوسیله محاکم نظامی.

در سرافعه *Duncan. V. Kahanamoku* محکمه عالی اظهار نظر کرد که رای محاکم نظامی هاوایی که در زمان جنگ صادر شده است بر خلاف مقررات قانون اساسی است زیرا قانون دادرسی ارتش فقط ناشی از ضرورت دفاع ملی است. همچنانکه پس از حمله ژاپن به جزایر سروراید حکومت هاوایی قانون آئین دادرسی را تصویب نمود و تشریفات هابوس کرپوس را که در نتیجه آن جایگزین شدن محاکم نظامی در مقابل محاکم عمومی بود ایجاد نمود باوجود این افراد مقیم قلمرو اراضی آمریکا در دادگاه های نظامی محاکمه نمیشوند و

۱- *Toth V. Ouarles, 305 U.S. 11 (1955)*

محاكم عمومی صلاحیت رسیدگی بتمام امور را دارا هستند و متهمینی که بوسیله این دادگاهها محاکمه و محکوم شده اند. احکام محکومیتشان بوسیله محکمه عالی نقض شده است. بنحویکه نتیجتاً ساکنین جزیره هاوایی باید همان حقوقی را داشته باشند که بموجب قانون اساسی بآنها داده شده و این حقوق همانست که بساکنین ممالک متحده آمریکا اعطاء گردیده است.

در دعوی شهر رمیلیگان محکمه عالی از تأیید حکمی که درباره افراد غیر نظامی در محاکم نظامی در زمان جنگ صادر شده است خودداری کرد. در محاکمه Milligan, Duncantoth محکمه رسماً «تناقض دیرینه و عمیق و ریشه داری را که کشور بین قدرتهای محاکم عمومی که بوسیله قدرتهای نظامی اجرا شده است» وجود دارد تأیید کرده و بتوسعه روز افزون صلاحیت محاکم عمومی در مقابل قدرتهای نظامی تکیه شده است.

در دعوی Wilson. V. Girard محکمه عالی اعلام داشته که از نظر انطباق با قانون اساسی هیچ مانعی وجود ندارد که یک معاهده بنحوی تنظیم شود که اجرای آن متضمن این امر باشد که بمحاکم صلاحیتی داده شود که بموجب آن یک سرباز آمریکائی متهم بقتل یک فرد ژاپنی در محاکم عمومی آمریکا محاکمه شوند.

از طرف دیگر محکمه خواسته است که این موضوع بررسی شود که یک دادگاه نظامی قانوناً قدرت محاکمه طبقات مختلف و افراد مختلف را که از خرابکاران نازی هستند و یک ژنرال ارتش ژاپن که متهم بتخلف از مقررات زمان جنگ شده است دارا میباشد یا نه؟

برای محاکمه یک فرد متهم بجنایت در زمان جنگ محاکم نظامی باید از محاکم عمومی بخواهند که در مورد وجود یا عدم صلاحیت رسیدگی بموضوع اظهار نظر نماید مگر در مورد اموری که صلاحیت محاکم نظامی در خصوص رسیدگی بآنها ثابت است و از نظر ماهوی و رسیدگی استینافی یا تمیزی و تجدید نظر قابل رسیدگی در محاکم عمومی نیست.

آزادیهای اجتماعی و سازمان دادگستری

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا بخصوص در آن قسمت که ناظر به ایجاد تضمینات مربوط بشرفیات دادرسی در موارد پرونده های جزائی و جنائی

است متضمن برخی اصلاحات است که افراد را در مقابل استبداد خود کاسگی قدرتهای غیر نظامی حمایت میکند (اصلاح چهارم - پنجم - ششم - هشتم) از جمله این تضمینات حقوقی است که برای افراد شناخته شده که بموجب آن در پرونده‌های جنائی هیئت منصفه در دادگاههای عمومی شرکت جویند (اصل هفتم) برخی دیگر از مقررات قانون اساسی نیز از جهت نیل بچنین هدفهائی استقرار یافته‌اند.

این اصلاحات طبق نظامات خاص و بموجب قوانین مورد تصویب قرار گرفته‌اند.

یکی از اصول اساسی رژیم فدرال ایالات متحده آمریکا که در آن اجرای قوانین جزائی ملحوظ است اینست که حکومت فدرال و حکومتهای ایالات در قلمرو حاکمیت خود کاملاً از یکدیگر مستقل هستند.

همان طور که قبلاً بررسی کرده‌ایم استقلال ایالات مختلف بوسیله اصلاحات چهار تا شش که متضمن یک معنی هستند در حکومت فدرال محدود نشده است. از طرف دیگر قلمرو قدرت حکومت فدرال بوسیله تضمیناتی که در قانون اساسی ایالات گنجانده شده‌اند نیز تجدید نگردیده است.

معهداً ایالات مختلفه طبق قاعده «تشریفات دادرسی قانونی» موظف باجرا و اعمال آن اصول هستند. و این اصول عبارتند از قواعد مربوط بتشریفات دادرسی و قضاوت منصفانه در پرونده‌های جنائی و صلاحیت آنها بنا بر این ما در پی آنیم که این مسئله را «تشریفات دادرسی قانونی» بطور اختصار شرح دهیم.

آزادیهای اجتماعی و تشریفات دادرسی قانونی

منظور عبارت «تشریفات دادرسی قانونی» موضوع اصلاحات چهارم و پنجم است.

«تشریفات دادرسی قانونی» بوسیله اصلاح پنجم تضمین شده است و از مداخله حکومت فدرال و عمل حکومتهای ایالات در امور دیگر بنحو مشابهی بوسیله اصلاح چهارم جلوگیری شده است.

محکمه عالی صریحاً اعلام کرده است که هرگاه یک ایالت منکر مزایا و حقوق مصرحه پیش بینی شده در اعلامیه حقوق که مربوط بدادرسی و عدالتخواهی

است گردد در یک مورد این تعاشی قابل قبول است و آن در مواردی است که از نظر تشریفات دادرسی قانونی از اصلاح چهارم تغلف شده باشد و چه اصطلاح معمول در این اصلاحات بیشتر مبین یک طرز فکر کم و بیش خشک و مبهم است تا حاوی مقررات مصرحه در اعلامیه حقوق .

همچنانکه عدم اجرای قاعده دادرسی قانونی باید در برخی از موارد مورد قضاوت قرار گیرد .

اگر یک پرونده جزائی طبق روشیکه « مباینیت با مفهوم کلی و جهانی عدالت داشت » تشکیل مییافت « و مخالف ایده‌های پیش‌بینی شده در قانون که مبتنی بر تساوی و اصول انصاف یا اصل راستی و درستی است بود » تمام آنچه که بطور ضمنی در مفهوم آزادی قانونی « و ضروریات ناشی از طبیعت آن در مقابل یک نوع رفتار و دادرسی شفاهی گنجانیده شده بود » باید در اصولی که تحت حمایت مواد قانون اساسی در تشریفات دادرسی قانونی است نیز باید بگنجد .

برخی عناصر آئین دادرسی جزائی بعنوان اصول اساسی تلقی شده‌اند در حالیکه دیگر تشریفات دادرسی چنین نیستند بلکه ناظر به برخی اصلاحات و تغییرات که در آئین دادرسی کیفری ایالات مختلف صورت گرفته است میباشند .

غیرممکنست که در اینجا بطور جزئی تمام عناصری را که در مفهوم دادرسی بیطرفانه گنجانیده شده‌اند از نظر انطباق با مقررات قانون اساسی که در اینجا بررسی شده است شرح دهیم .

این مسئله در پرونده‌های متعدد (۱) از جمله استفاده اختیاری از یک شهادت دروغ یا اخذ اقرار بعنف و اجبار مطرح شده است .

امتناع از انتخاب وکیل غیبت غیر موجه در نزد هیئت منصفه مباینیت با مقررات تشریفات دادرسی قانونی شناخته شده‌اند .

اخیراً اعلام شده که آئین تشریفات دادرسی قانونی حد اقل این امر را ایجاب میکند که متهم بجنایت در محکمه جنائی و یا دادرسی علنی که علنی بودن آن موجهاً از طرف رئیس دادگاه اعلام شده است محاکمه شود یا اتیان سوگند نیز باید بدون اینکه شهود بوسیله وکیل معرفی شوند در مورد آنان ملحوظ باشند

یکی از شرایط اساسی دادرسی قانونی رعایت تشریفات قانونی است که این تشریفات با عدالت منطبق باشد.

انصاف ایجاب میکند که متهم بجنایت بوسیله یک هیئت منصفه محاکمه شود.

یک اصل اساسی اینست که متهم حتماً باید از اتهامیکه منتسب باوست کاملاً مطلع گردد. محکمه عالی اخیراً اظهار نظر کرده است که در موردیکه یکی از ایالات حق پژوهش خواهی را بتمام افراد جز آنها که فاقد وسائل پرداخت رونوشت صورت جلسات محاکمه (۱) هستند انکار کرده از قاعده دادرسی قانونی تخلف ورزیده است.

مثلاً در موردیکه آژانسهای تبلیغاتی یا سازمانهای جاسوسی یادستگاههای گیرنده اخبار محکومیتهایی یافته بودند بعلمت عدم رعایت تشریفات دادرسی قانونی بوسیله نمایندگان قدرت اجرائی این محکومیتها در مقابل محاکم مخدوش اعلام شده بود.

بطور خلاصه قانون اساسی آمریکا یک تشریفات دادرسی قانونی را پیش بینی میکند که بهیچ وجه نه بوسیله سازمانهای فدرال و نه بوسیله سازمانهای ایالات محدود میگردد بوسیله قانون اساسی فدرال و قانون اساسی ایالات تضمینات خاصی مستقلاً بهر یک از آنان داده شده است.

اگر یک محکمه ایالت بیک متهم به جنحه این حق را ندهد که از تشریفات دادرسی قانونی برخوردار گردد رای محکومیت صادره بوسیله محکمه عالی کشور ایالات متحده نقض خواهد شد.

ب - آزادیهای که بوسیله اصلاح چهارم وجود آنها تضمین شده اند.

حقوق اتباع آمریکا از نظر شخصیت و اقامتگاه و مالکیت و اعمال آنان خدشه ناپذیر است و در مقابل تفتیش و بازجویی غیر قانونی تضمین شده اند و هیچیک از این حقوق بوسیله وکالت و نیابت قابل تفویض و انتقال نیست و این حقوق بوسیله سوگند مورد تائید قرار گرفته اند و از این رواج کاهش و تحدید و خللی در امانند.

۱ - تحقیق و تعقیب در محاکم جنائی

موضوع اساسی اصلاح چهارم حمایت از تمام‌سکنه آمریکا علیه مداخله بی‌رویه و غیرقانونی در زندگی خصوصی افراد است بصرف‌گمان حتی در صورت اقتران بیک اماره قوی مبنی بر وجود آلات جرم در یک منزل یا در یک نقطه کافی نیست که بدون اعطای نمایندگی قانونی از منزلی تفتیش بعمل آید .

بخصوص وقتی که مسئله ورود باقامتگاه یک نفر و تفتیش آن در شب مطرح باشد این امر با قاطعیت بیشتری مورد توجه قرار گیرد .

جلب و توقیف اشخاص اگر بدون رعایت مقررات قانونی صورت گیرد بی‌اثر میباشد .

اعطاء نمایندگی برای بازرسی و تفتیش بوسیله یک محکمه اصولاً فاقد وجاهت قانونی است .

مگر این که نمایندگی مبنی بر شهادت بقید سوگند باشد و برای کشف اموال اعطاء شده باشد و یا برای بازرسی محل‌هایی باشد که مورد سوء ظن است .

و بطور کلی این گونه بازرسی‌ها از مصادیق مواردی است که از آنها سوء استفاده شده است و از این رو ممنوع شناخته شده‌اند .

تفتیش منازل حتی بدون اعطای نمایندگی هم وقتی برای دستگیری شخص لازم باشد ممکنست صورت گیرد و این در موردی است که طبق مقررات قانونی توقیف شخصی بوسیله محکمه در نقطه‌ای که جرم ارتکاب یافته است مجاز شناخته شده باشد .

این حق بطریق اولی در مورد توقیف و بازرسی منزل شخصی که متهم بجنایت است وجود دارد .

حکومت چه بطور مستقیم و چه بطور غیر مستقیم حق استفاده از دلائلی را که بوسیله محاکم در مورد بازرسی و توقیف بر خلاف قانونی بوسیله نمایندگان حکومت فدرال برای محکوم کردن فردی در جریان تعقیب قضائی کسب شده است ندارد و این حق بوسیله اعلامیه حقوق حمایت گردیده است و محکومیت‌های حاصله بوسیله این گونه دلائل بر خلاف مقررات قانون اساسی اعلام گردیده است .

محکمه عالی اعلام کرد که چنین روش‌هایی منسوخ هستند « زیرا یک نوع اجتماع آلوده به تجاوز را تشویق میکنند » معهذا در حدود دو سوم از ایالت‌های

متحده آمریکا ادله کسب شده بوسیله تفتیش و جلب غیر قانونی را قبول کرده‌اند و محکمه عالی اعلام کرده که این ادله و این نحو عمل تخلف از مقررات دادرسی قانونی نیست .

هیچ کس را جز بوسیله نماینده مقامات صلاحیت دار نمیتوان جلب کرد و ورود ناگهانی بمنازل بدون وجود نمایندگی و اطلاع بصاحبان منازل غیر قانونی است و ادله جمع شده بوسیله این گونه اقدامات در دادگاه قابل قبول نیستند در مورد نقض یک رای که مبتنی بر دلائلی از اینگونه است اخیراً محکمه عالی اعلام کرده که « از زمان قدیم کمان لو بطور جدی قدرتی را که بموجب آن اولیاء امور در یک منزل را برای اینکه دستور جلب را اجرا کنند بشکنند محدود کرده است .

یک چنین عملی لطمه واقعی باصل حمایت از زندگی خصوصی است که در این ضرب المثل قدیمی خلاصه شده که میگوید « ذغال فروش سلطان خانه خویش است » هر مالکی یا هر مستاجری خوب یا بد بی گناه یا مقصر حق دارد از تضمیناتی که بنفع عمومی است علیه ورود غیر قانونی و ناگهانی بمنزلش حمایت شود .

۲ - قطع مکالمات تلگرافی و مکالمات تلفنی و ضبط نامه‌های خصوصی

در سال ۱۹۲۸ محکمه عالی در رائی که با کثرت ضعیفی صادر شد اعلام کرد که مکالمات تلفنی در اصلاح چهارم داخل نیستند و بازرسی آنها از مصادیق بازرسیها و کنترل غیر قانونی نیست زیرا که آنها متضمن دخول در محلها نیستند و در نتیجه دلائل حاصله میتوانند در تعقیبات دادگاههای فدرال مورد استفاده قرار گیرند .

متعاقب این رای کنگره قانونی فدرال را در موضوع مکاتبات و مکالمات تصویب کرده بموجب این قانون قطع پیامهای تلفنی یا تلگرافی بدون اجازه فرستندگان آن پیامها ممنوع شده بود (در برخی از ایالات مانند نیویورک قطع پیامها وقتی که بوسیله محکمه دستور قطع آن صادر شده باشد مجاز است .)

(ماده یک قانون اساسی نیویورک بخش ۱۲) همین طور در موردیکه بتوان دلیلی برای اثبات جنایتی کسب نمود قطع پیامها بوسیله مأمورین دولتی فدرال مجاز شناخته شده است و عدم کسب چنین دلائلی مغایر قانون اساسی است .

دلائلی که بوسیله قطع مکالمات و مکاتبات بین ایالتیهای مختلف و یا در

داخل یک ایالت بدست آمده‌اند از دادگاه آنچنان غیر قابل قبول تلقی گردیده‌اند که اگر این دلائل با وسائل دیگری بطور غیر مستقیم کسب میشده‌اند. معهذا ادله حاصله باین نحو آنچنان که در محاکم فدرال مجاز شناخته شده‌اند در قانون آئین دادرسی ایالتها مجاز هستند.

محکمه عالی اعلام کرده که استفاده از یک دستگاه برقگیر که روی دیوار خارجی در یک اتاق مهمانخانه واقع شده و یک میکروفون مخفی در یک اتاق برای ضبط مسائل از مصادیق بازرسی و قطع سراودات نیست و بعنوان یک جرم و تخلف از اصلاح چهارم و چهاردهم بشمار نمی‌آید و دلائلی که باین نحو بدست آمده‌اند نتیجتاً قابل قبول اعلام گردیده است میتوان بادر نظر گرفتن این مسئله که این ادله بوسیله محاکم فدرال قبول شده نه بوسیله یک محکمه ایالتی.

چنین نتایجی را نیز در مورد یک پست رادیوی مخفی و دلائلی که بوسیله آن در مورد یک متهم کسب شده است قابل تسری دانست.

در موضوع پرونده Olmstead که قبلاً ذکر شده قاضی مشهور Holmes

با اکثریت محکمه عالی که تحت عنوان قطع پیامهای خصوصی «بطور غیر شرافتمندانه اقدام کرده» مخالفت کرده و در موضوع های فوق اقلیت مخالفت بارز خود را با رای اکثریت که در این قلمرو قانونی عملاً در جریان است نشان داده است.

استفاده عملی این موارد قطع پیامهای جاسوسی و قطع مکاتبات و مخفی کردن نامه های خصوصی است. که عملاً و تحت همین عنوان و واجد همین روح قانونی میباشند.

قانونهائی در این باره تصویب شده‌اند و قوانین دیگری هم برای حمایت از زندگی خصوصی و حقوق فردی تحت مطالعه است و موضوع بیشتر برای حمایت از این حقوق در مورد کسب ادله جنائی و رأی دادن در باره متهمین به جنحه و جنایت است.

در آراء بسیار جدید محکمه عالی اعلام کرده که دلائل کسب شده بوسیله یک مأمور قوه مجریه در یک کشور با منشعب کردن یک پست تلفنی منطبق با قانون ایالت است.

ولی بدون مداخله اولیاء امور فدرال در محاکمات جنائی و در مقابل محاکم فدرال قابل قبول نیست. مگر اینکه دریافت کننده یک پیام تلفنی افسر پلیس باشد و از خط تلفنی و با اجازه شخصی که بطور ناگهانی خط را ترك کرده این قطع صورت گیرد.

قطع مکاتبات پستی متهمین نیز بهمین رویه قابل قبول است.

در دعاوی مشابهی در موضوع Schwartrz که قبلاً ذکر شده قاضی معروف دوگلاس عقیده‌ئی را در موضوع آراء قبلی که محکمه عالی در این زمینه اعلام کرده بصورت این فرمول درآورده است « این اعمال بنحو بارزی با آزادیهای فردی لطمه میزنند و به پلیس حق دخالت در زندگی خصوصی تمام افراد را میدهند » این اعلام متضمن حقایق زیادی است.

قبلاً پیش بینی میشد که چنین اشکالاتی بین مراجع قضائی ایالتها و مراجع قضائی فدرال بوجود آید بنحویکه بین حقوق فردی از یک طرف و اجرای مؤثر قانون و طرح‌های علمی اخیر در مورد ابداع و اختراع وسائل پلیسی مؤثر از طرف دیگر مطالعاتی بسیار عمیق در جریان است.